بنام خدا
و
بنام خلق قهرمان ایران

" الذین قال لهم الناس ان الناس قد جمعوا لکم فاخشوهم فزادهم ایمانا " و قالوا حسبنا الله و نعم الوکیل "

آنانکه وقتی مورد خطاب گروهی از مردم قرار گرفته که به ایشان گفتند :همانا مردم بر علیه شما بوده و برای از بین بردن شما جمع شده‌اند پس از ایشان بترسید.(و دست از عقاید و موضعگیریهای خود بردارید.این تجمع مردم بر علیه ایشان نه تنها ایشان را خشمناکتر نمود) ، بلکه ایمان آنانرا به حقانیت راهشان بیشتر ساخت و گفتند برای ما الله (پروردگار دهنده و تکامل دهنده جهان) کافی است و خدا چه بسیار نیکو وکیلی است

مقدمه :

تاریخ ، صحنه شورانگیز آزمایش و ابتلاء

تاریخ صحنه درگیری دائمی و مستمر نیروهای حق و باطل است ، زمانی را نمیتوان یافت که بدون وجود این تنازع محتوم ونبرد بی امان میان نیروهای تکاملی و رشدیابنده از یکسو و نیروهای ضدتکاملی و میرنده از سوی دیگر سپری شده باشد ، به تعبیری دیگر عبور از جاده بی انتها و پرشکوه تکامل بدون درگیری، نزاع ، قربانی و رویارویی ، امکانپذیر نیست ، و در این میان ، البته بسیار طبیعی و امری عادی است که نیروهای حق طلب و انقلابی همواره با مشکلات ومصائب و ابتلائات گوناگون مواجه شوند که جز این راه ، هیچ رشد و ارتقاء و سازندگی ابدا" متصور و ممکن نبوده و معلوم نمیشود که در این میدان چه کسانی واقعا" موحد و انقلابی و پاک باخته‌اند و از این آزمایشات سخت ، سرافراز و پیروز بدر میآیند و چه کسانی کشش و ظرفیت لازم را نداشته از صفوف حق طلبان تصفیه و پاک میشوند. محصول چنین ابتلائات و آزمایشات سختی که بر صفوف نیرو - های تکاملی و موحد و مجاهد وارد میشود انسجام و وحدت و استحکام هرچه بیشتر و افزودن بر ایمان آنان است که در برابر انبوه دشمن و نشانه‌های انکساء و ویرانگری که چه در ابعاد نظامی ، چه در اشکال سیاسی بر آنان وارد میشود کوچکترین هراسی بدلراه نداده و شک و تردیدی در حقانیت راه خویش نمی یابند ،راهی پس طولانی و ناهموار و پر از فراز و نشیب بلکه به مصداق کلام الهی به ایمانشان نیز استوارتر میشوند " و لما راء المومنون الاحزاب قالوا ما وعدنا الله و رسوله و صدق الله و رسوله و مازادهم الا ایمانا" و تسلیما" (احزاب ۲۲)

(و گاهی که گروندگان راستین ، نیروها و احزاب (مهاجم)را دیدند گفتند این است همان (آزمایشی) که خدا و پیامبرش به ما وعده داده بودند و راست گفته‌اند خدا و پیامبرش جز ایمان و تسلیم بیشتر (به سوی تکامل و راه خدا) بر انسان نمیفزود)

عصر ما از یکسو شاهد پیچیده‌ترین و نو - ترین اشکال حاکمیت نیروهای ضد تکامل و میرنده است که هدفی جز نابودی انسانها و استثمار هر چه بیشتر آنها را ندارند و از یکسو عصر گسترش آگاهی توده‌هاست و عصر شکفتن تکوهمه‌ترین و شگفت‌ترین پیروزیهای خلقهای محروم و ستمدیده علیه استثمارگران وچاول گران جهانخوار و امپریالیسم است . عصری که در آن جز از طریق مبارزه‌ای سخت و خونین و بدون اتکاء و ایمان به بالاترین ارزشها و آرمانهای بشری و ایدئولوژی رها ئیبخش و انقلابی توحیدی ، دست یافتن به قله رهائی و پیروزی امکانپذیر نیست ، ایدئولوژی ناب و خالص از هر نوع پیرایه و آلودگی شرک آمیز و طبقاتی ، ایمان واعتقاد به چنین ایدئولوژی و مکتبی برتر ، مرفادر حرف و گفتار نبوده و نیاز به جوهر و توان بالائی دارد که بایستی در جریان عمل آنرا به اثبات رسانید و فداکاریها و قربانیها نموده و در راه درک و تدوین و اثبات آن، شدیدترین ابتلاءها و سختی را پذیرا شد و جبهه‌های گوناگونی را که در برابر چنین ایدئولوژی صف خواهند کشید بخوبی شناخته و با آنها مواجه گردید . بدون حضور در - چنین آزمایشات و ابتلائات و قبل از پیروز و سرفراز شدن از این میدانهای سخت و

هولناک ، هر آنچه میماند چیزی جز شعار و ادعاهای کلی و بی محتوا نیست آنچه در - دراز مدت ، ملاحیت و شایستگی و حقانیت ایدئولوژی را در برابر مکاتب و ایدئولوژ - های رقیب که آنان نیز ، در پی نجات انسا - نها و پیروزی او هستند نشان میدهد جز در میدان عمل و با عبور از جاده ناهموار و پر از فراز و نشیب درگیریها و دست و پنجه نرم کردنهای رودررو با دشمن خلق ، امکانپذیر نموده و پایمردی و استواری واقعی بر چنین ایدئولوژی ، جز از این طریق که نیروهای مختلف امتحان خود را پس میدهند و میزان شایستگی خود را در میدان عمل به اثبات میرسانند و در کوره گدازان انقلاب ، تضادهای بیشتری را حل کرده و از - بحرانها و آزمایشات سخت تری سالم بیرون میآیند ، متصور و ممکن نیست . چه بسیار در تاریخ و نیز در حال حاضر شاهد هستیم افراد و گروههائی دامنه اسلام و مکتب داشته و همواره دم از نفی استثمار و آزادی بشر و ... میزنند اما آن هنگام که باید آنرا در میدان کارزار به منصه ظهور برسانند ، عقب نشینی کرده . با هراران - توجیه و تاویل از روی نگاههای متعجب و اذهان بریشان نیروهای خود و یا دیگرانی که گوششان از فریاد مکتب و اسلام و دین و ... آنها کر شده بود ، کنار میکشند و عجیب اینکه اینان ناچار برای تبرئه بیشتر خود موجبین و مجاهدین راستینی را که در راه دفاع از مکتب خود ، مکتوب را جایز نشمرده و قیام نموده اند ، مورد حمله و با عمالت و سلامت قرار داده آنانرا به تندروی ، چپروی و حتی بالاتر از آن بدول از مکتب متهم مینمایند . اما اگر به ریشه چنین موضعگیری ، عمیق شویم جز این نیست که آنان ، با سخت شدن شرایط و افزایش فشار و تبعا از آنها که فاقد جوهر ذات انقلابی و توحیدی لازم هستند ، توان مقابله و ایستادگی و تحمل فشارها ، سختیها ، تهمتها و ... را نداشتند

آنچه در پیش رو دارید صحنه بیت از بروز تدریجی و قدم بقدم ماهیت خبیث مسلمانان صدر که در طول ۱۵ ماه پس از قیام چهره خویش را ظاهر نموده و موضع خود را در میان مجموعه نیروها کاملا" مشخص ساخته است . پروسه ای که این جریان طی نموده تا به موضع کنونی رسیده است برای ما عبرتی است بس ارزشمند ، چرا که درک صحیح آن بقول علی (ع) ، میتواند انسانرا از در افتادن به امثال چنین گمراهیهائی مصون ندارد "ان من صرحت له العبر عما بین یدیه من المثلات حجزته التقوی ان تقحم الشبهات" (خطبه ۱۶ نهج البلاغه)

میهن ما پس از قیام ۲۲ بهمن

حساسترین و پیچیده ترین مرحله تاریخی انقلاب و صحنه آزمایش و ابتلا

میهن ما پس از قیام ۲۲ بهمن در اثر شرایط خاص حاکم بر انقلاب و مجموعه ضعفها و نارسائیهای آن (که در اینجا از بیان آنها میگذریم) ، بتدریج شاهد غلبه و حاکمیت مجموعه ای از جناحهای ارتجاعی و سازشکار و کم شدن قدرت توده ها و حضور آنها در صحنه سیاسی ، اقتصادی و اجتماعی جامعه بوده است ، جناحهائی که به سبب ماهیت طبقاتی خاص خود ، توان حل انقلابی مسائل و مشکلات بیشمار جامعه را مطابق با شرایط تاریخی کنونی نداشتند بخشی از آنها به سازش روابط و مناسبات بستم حاکم گشته که بدست توانای خلق ضربتی بر آن وارد شده بود چشم دوخته و نیز جناحهائی از آنها به سبب ماهیت ارتجاعی و انحصارطلب خود عملا در راه ایجاد اختلاف و تفرقه درونی و طرد و نفی نیروهای انقلابی از صحنه و کنار گذاشتن توده ها در جهت اعمال حاکمیت بلا منازع خود گام برداشته و نیز توجه گر عملکردهای سازشکارانه جناحهای دیگر که مجموعا" در جهت هموار کردن و بازگشت مجدد حاکمیت امپریالیسم است ، بودند .

در چنین شرایط پیچیده ای که درک - درست و دقیق آن نیاز به بینش سیاسی و اجتماعی وسیع و نگرش انقلابی داردوبدون آن ، امکان تشخیص عمده ترین تضاد موجود

در جامعه و راههای حل آن ، عملی نیست ، نیروهای اجتماعی و سیاسی موجود در جامعه هر یک بنا به هویت خاص خود ، موضعگیریها ی ویژه‌ای نسبت به مجموعه مسائل و شرایط جامعه دارند ، از آنجا که تمامی گروهها و نیروهای موجود سخن از انقلاب و مکتب و ... گفته و دامنه ، ضداستثماری و ضد استعماری دارند ، آنچه که حقانیت ادعاها ی آنان را اثبات میکند ، چگونگی موضع‌گیری آنها در مراحل و گذرگاههای حاد جامعه" عمل" است ، عمل اجتماعی است ، امروز است که مهمترین چیزی که گفتیم نگاهی به نیز موضعگیریهای گروهها و عملکردهای آنان در مواجهه با جریان ارتجاعی و انحرافی و سازشکارانه از یک طرف و در مقابل جریانهای انقلابی و توحیدی از طرف دیگر ، محک اصلی و عینی برای شناخت و صداقت آنان در شعارها و سیاستها و ادعاهای آنان است .

اینک پس از ۱۵ ماه که از قیام شکوهمند خلق قهرمان ایران میگذرد بهت حاکمیت جریانهای وابسته بر سرنوشت مردم وطن ما جای تداوم مبارزه ضد امپریالیستی ، انقلابی - ضد استعماری و بخصوص مجاهدین خلق مورد حمله و هجوم سیستماتیک و همه جانبه قرار گرفته اند تا بدانجا که زمزمه انحلال این انقلابیون جانبرکف و فرزندان راستین انقلاب توسط مرتجعین بگوش میرسد . بی شک موضعگیری در قبال آنچه که بر مجاهدین آمده و آنچه که قرار است بیاید ، یکی از حساسترین گذرگاههای تاریخی است که بر سر راه هر جریان ، گروه و سازمانی که دامنه موجودیت دارد قرار گرفته است .

جنبش مسلمانان مبارز در بوته آزمایش

همسوئی رهبری ج.م.م با جریان وابسته‌ی حاکم

همانطور که فوقا" اشاره کردیم تمامی افراد و گروهها بویژه آنان که خود را - معتقد به مکتب اسلام و ایدئولوژی راستین توحیدی میپندارند در میدان آزمایش خطیری

فرار گرفته‌اند که تمامی آنان ، بخصوص با سنجیدن حقانیت آن ، راه و رهبری جنبش مسلمانان مبارز نیز یکی از آنهاست .

با نگاهی به مواضع ج.م.م در طول یک سال و نیم پس از قیام ، در مورد سازمان مجاهدین خلق ، به این واقعیت میرسیم که رهبری ج.م.م به تناسب در مجاهدین گرفتن بازیان ، و عمده و هجوم وسیع بار بر علیه آن ، مواضع خود را تغییر داده ، است چرا که بیان حقایق ، در مورد عوامل مجاهدین ، بتدریج تحمیل مشکلات و از دست دادن امکاناتی است که هر یک از طلبیت انقلا - بی نمیتوان بر روی این حقایق ، ایستادگی کرد و همچنان به دفاع از آن پرداخت در زیر نمونه‌هائی از این تغییر اتودل میآورید

تغییرات موضعگیری ج.م.م در مورد سازمان در پروسه تحت فشار قرارگرفتن سازمان آیا رهبری ج.م.م حتی از بردن نام سازمان مجاهدین زحشت میکند؟

شماره ۷ امت ، پیام جنبش مسلمانان مبارز را به ملت ایران و به سازمان مجاهدین خلق ایران به مناسبت سالروز ۳ خرداد درج کرده است :

"پیام جنبش مسلمانان مبارز به ملت ایران و سازمان مجاهدین خلق ایران به مناسبت شهادت برادران حنیف نژاد ...."

.... برادران ما و شما شهدای چهارم خرداد از آن جمله مردانی هستند که کاخ عظیمتا بن بستهای حرکت جامعه بسوی آزادی و عدالت را در هم شکست . آنان ... از آتش جاودان توحید مشعلی فروزان در ظلمتکده یأسها ناامیدیها بر افروختند . مشعلی که آتش آن علیرغم همه توطئه‌ها و سرکوبیها اهریمنان استعمار و استبداد و خیانتها کارشکنیهای فرصت طلبان و مرتجعین نه تنها خاموش نگردید که بهمگی کورهٔ انقلاب اسلامی ایران را به رهبری مرجع مجاهد امام خمینی و به همت و فداکاری بی نظیر خلق مسلمان شعله‌ورتر ساخت .

...ما دست همه برادران مجاهد خود را در

ادامه اینجا (راهی که موانع بزرگ آنرا

در جائی دیگر استعمار و ارتجاع و غرمایه داری خوانده‌اند) خطیر و انجام این مسئو لیت الهی میفشاریم و به روان پاک بنیان ـ گذاران بزرگ سازمان مجاهدین خلق ایران درود میفرستیم .

جنبش مسلمانان مبارز ۱۳۵۸/۲/۴ .

اما در خرداد ماه امسال ، در اعلامیه ـ ای که بهمان مناسبت داده شده ، حتی از نا؟ ـ بردن سازمان و کمترین اشاره‌ای به آن خوف ـ داری شده است ، بسیار بجا است که رهبران جنبش مسلمانان مبارز توضیح دهند که علت این تغییر و دگرگونی فاحش در چیست آیا نباید آنرا محصول یک مقایسه حسابگرانه و پراگماتیستی میان موقعیت سازمان مجاهدین خلق در این فاصله یکسال در رابطه با جریانات حاکم ارتجاعی دید و آیا این اعلامیه ، چراغ سبزی به واپسگرایان نبود؟ و نیز این نکته را نیز توضیح دهیم که — علیرغم هر نقطه‌نظر خاصی ، آیا وحدت ارگان سازمان مجاهدین خلق وجود دارد که حتی از یکبار اشاره به آن خودداری شده است ؟

در جای دیگر ، (هفته‌نامه امت شماره ۱۶ ـ تاریخ ۵۸/۵/۱۰ ، صفحه ۱۶) جنبش مسلمانان مبارز به هنگام آغاز انتشار نشریه " مجاهد" ارگان سازمان مجاهدین خلق را چنین توصیف میکند :

"معرفی نشریه مجاهد" : نشریه هفتگی مجاهد ، ارگان سازمان مجاهدین خلق ایران انتشار یافت . انتشار این نشریه گامی است در جهت ، بسط و گسترش فرهنگ اصیل و انقلابی اسلام ، مطالعه این نشریه بر رشد آگاهی متعهدین به انقلاب اسلامی خواهد افزود.

مجاهد نقطه نظرات سازمان مجاهدین خلق ایران را پیرامون مسائل انقلاب بیان میدارد و رهنمودهای سازنده در جهت تداوم انقلاب ارائه میدهد . موفقیت برادران و خواهران مجاهد را در انتشار این نشریه برای غنای فرهنگ انقلابی اسلام خواستاریم .

و نیز شماره ۲۰ امت صفحه اول ، اشغال ستاد مجاهدین را با اندوه شدید" محکوم کرده و چنین نوشته است :

..... ستاد مرکزی جنبش ملی مجاهدین بوسیله پاسداران و نماینده دادستان انقلاب تهران محاصره و حکم دادستان برای اشغال ساختمان را بمحل درآوردند و برادران مجاهد در اوج احساسات پاک هواداران آنانرا به آرامش دعوت کردند و با برخوردی انقلابی ، با اینکه دستور رهبر انقلاب در پاسخ به سئوال مجاهد ـ بن این بود که مجاهدین در ستاد خویش باقی بمانند ، از هرگونه برخورد غیر اصولی جلوگیری نمودند و با آرامش و صبری انقلابی به حکم دادستان و برادران پاسدار پاسخ گفتند . شورای نویسندگان امت ، با اندوه شنیدن خبر ، اینگونه اعمال را که از آن جز دشمنان انقلاب طرف نمیبندند شدیدا محکوم مینماید .

سقوط

از اظهار تاسف تا شرکت در راهپیمائی انحلال :

حال باید پرسید آیا رهبران جنبش مسلمانان مبارز و نیز شورای نویسندگان امت ، مواضع قبلی خود را فراموش کرده‌اند که اینک پس از کمتر از یکسال اعلام شرکت در راهپیمائی کرده‌اند که خواستار انحلال مجاهدین است ؟ آیا شما بای این قطعنامه را امضاء نکردید ؟ آیا با مفاد آن موافقید و در غیر اینصورت چرا کمترین اعتراضی به آن ننمودید نایستی در اینجا صریحا" تاکید کنیم که ما با این موضعگیری چه بخواهید و چه نخواهید بر آن قطعنامه صحه گذاشته و در تمامی آثار و عواقب سیاسی ـ اجتماعی آن شریک و سهیم هستید . آیا این نشان‌دهنده یک جریان راست روانه در طول کمتر از یک سال نیست که چگونه گروهی که به تخلیه ستاد مجاهدین اعتراض کرده و آنرا شدیدا" محکوم نموده ، چند ماه بعد خواستار انحلال همان سازمان شود ؟ آیا هیچ تصور کرده‌اید که چنین تقاضائی چه معنائی دارد و باطرح آن در جامعه ، چه افقی برای آینده سیاسی جامعه ترسیم میشود ؟ آیا این موضعگیری را شما جدا از موضعگیری خود در مورد رفراندوم قانون اساسی و انتخابات ریاست جمهوری می

دانید ، ما بدون آنکه بخواهیم به شرح و توضیح ریشه‌های آن موضعگیریها علیرغم تمامی ادعاهای باصطلاح مکتبی و ضدامپریالیستی و ... بپردازیم ، (و آنرا به بحثی دیگر از این حوالیه موکول میکنیم) بایستی به اطلاعتان برسانیم که در افق آن موضعگیریها ، چنین موضعگیری بغایت راست‌گرایانه ، مشاهده میشد و از اینرو برای ما غیر قابل پیش‌بینی و غیرقابل انتظار نبود .

جرخش به راست

سیاستهای ضد لیبرالی ، مطلوب مرتجعین و انحصارطلبان

نگاهی عمیق‌تر به این مسیر طی شده در موضعگیری جمعی مطلبمان ملاز بسیاری بعمل ۱۸۰ درجه‌ای در موضعگیری ضد ارتجاعی به ضدلیبرالی و سیاستهای باصطلاح ضدسازش کاران است . اگر در نگاه اول اتخاذ سیاست ـ های ضدلیبرالی را از طرف گروهی سیاسی صرفاً " یک تعاوت و نگرش سیاسی و تحلیل خاص از شرایط بدانیم ، اتخاذ چنین سیاستی از جانب بعضی مسلمانان مبارز پس از آن مواضع مثالبه ضدارتجاعی را باید در ازدیاد فشار عوامل ارتجاعی حاکم دانست که هر موجودیت دیگری جز خود را خوشایند سیاست انحصارطلبانه و تنگ‌نظرانه در صدد تضییق و تحدید آنها برمیآیند . اگر همین نمونه آشکار را مورد بررسی قرار دهیم و صادقانه آنرا تجزیه و تحلیل کنیم آیا جز این است که انبوه فشارها ، تضییقات ، حملات وهجومها چاقدارییها و انواع و اقسام تهمتها و بی حرمتیها حتی به ساحت مقدس شهیدان میگذارد که هر جریانی با هر ماهیتی علیرغم تمامی دعاوی مکتبی خود ، ضدارتجاع و انحصارطلبی باشد و به ناچار و (حتی ناخودآگاه) بسمت اتخاذ مواضع ضد لیبرالی حرکت خواهدکرد و آن وقت است که باید به تشویر یزه کردن چنین موضعی پرداخته و با دلخوش‌کردن به مواضع باصطلاح ضد آمریکائی که تنها در شعار و رأ ، پیمائی و ... خلاصه میشود ، بر تمام عملکردها ـ های انحصارطلبانه ، سازشکارانه و عوام فریبانه و قشری آن حضرات که در پرتو آن ، همان لیبرالها توانسته‌اند به اهداف و مقاصد خود برسند ، چشم پوشی کرد و سیاستی را در پیش‌گرفت که هیچگونه دردسر و مشقت و ریحی را ایجاب نکند و ظاهر آن بهر ، مترقی و جذاب جلوه نماید اما رهبری ج.م.م بایستی ـ میدانست که با اتخاذ چنین مشی سیاسی ، عملاً حاشی که در طیف بیروهای اجتماعی پدامیکند علیرغم ادعاها و شعارهایشان ، جز در کنار جناحهای واپسگرا و انحصارطلب حاکم ، نبوده و عملکردی جز تائید و همسوئی با آن ندارد

آری از آنجا که عدم ایمان واقعی ، یا سردی ایدئولوژیک و اعتقاد مکتبی ، آن گذشته محافظه‌کارانه را ایجاب میکند و حتی جناحهای یک مکتب ایجابی ، مثلاً ۲ سال زمان هم نمی آورد ، اینک چگونه میتواند در برابر فشارها و حملات ارتجاع و ... ای پایداری کند چگونه میتواند درک صحیحی از سیاست برای حفظ اصالت اسلام داشته باشد ؟ مگر نمیبینید به نام اسلام ، اسلام را به فرانکاه میبرند؟ پس ناچار باید در دامن سیاستهای ضدلیبرالی فرار گرفت ، همان چیزی که ارتجاع بغایت ، خواهان آن است و اتفاقی نیست میبینیم که در عمل ،مواضع ج.م.م با مواضع حزب معلوم‌الحال جمهوری و سازمان شبه فاشیستی باصطلاح مجاهدین انقلاب ، ونیز حزب توده همگام و یکسو میشود . از حزب توده که بگذریم ، آخر ، آن دو گروه و هم بالکیهایشان که تا دیروز تطهیرکنندگان اصلی لیبرالها و توجیه کنندگان مردم برای اطاعت بی چون وچرا از آنان بودند و هرنوع ایراد و انتقاد و اعتراض به عملکردهای غیرانقلابی ،محافظه کارانه و سازشکارانه را بنا به حکم شرعی!، با مارک ضدانقلاب ، منافق ، و ... پاسخ میگفتند ، پس از اشغال لانه جاسوسی با کنار زدن رقیبان سیاسی و قبضه کامل قدرت ، شدیداً " مواضع ضدلیبرالی و ضد سازشکارانه ! اتخاذ کردند تا بتوانند از این پس ، با تقویت به آن ، بر تمامی انحصارطلبیها و قدرت‌جوئی ها و عملکرد ـ های خود ، سرپوش گذارند و همواره وسیله‌ای برای تطهیر و پاک جلوه‌دادن خود داشته باشند و بدین وسیله بار تمامی رکود ، توقف و

انحراف انقلاب را از دوش خود بردارید. حال اثر در چنین فضائی، مشاهده میشود که شما نیز در کنار آن موضعگیریهای شدید و غلیظ ضدلیبرالی که در واقع امر در شرایط کنونی جامعه ما تنها یک موضعگیری بی دغدغه و راست‌روانه سیاسی محسوب میشود، در برابر محافل واپسگرا و انحصارطلب، از ترس چماق حداکثر آنها را بسیار محترمانه نصیحت کرده و میکنید. آنرا باید به چه چیز جز حرکت در مسیر دلخواهتان و حضور در جبهه آنان تعبیر کرد؟

بعنوان مثال در شماره ۲۹ امت، چگونه متضرعانه از مرتجعین میخواهید که به حال مکتب و انقلاب و رمیده شدن جوانان از اسلام دل بسوزانند:

سرمقاله امت شماره ۲۹: "**مصلحت انقلاب با بازوی کسب قدرت "... کاری نکنید که نسلهای آینده شما را به محاکمه بکشند، کاری نکنید بر یاس و اندوه میلیونها جوان مسلمان و متعهد ما افزوده شود، شما پریشانی هزاران جوانان دلسوز را ببینید که چگونه نگران سرنوشت انقلاب و مکتب هستند، آنها نه ضد انقلاب نه التقاطی و نه منافقند بیشتر از شما برای انقلاب رنج برده‌اند و خون دل خورده‌اند و آماده فداکاری و ایثار هستند، اگر سختی پیش آید باز نشان خواهند داد که حامی واقعی انقلاب و رهبر انقلاب چه کسانی هستند. فقط دعا کنید روز امتحان فرانرسد.**

ربنا لا تحملنا ما لا طاقه لنا به

آیا موضعگیری اندرز و نصیحت، نشانهٔ ضعف در مقابل واپسگرایان نیست؟

شما، واپسگرایان را از فرا رسیدن روز امتحان برحذر داشته‌اید اما غافلید؟ تمامی این موضعگیریهای شما هر لحظه خود میدان امتحان و ابتلاء بعدی برای شما میسر هست. پس در همین جا بگذارید تاکید کنم که با شناخت واقعی از نظام ارتجاع ندارید و با آگاهانه، بر آن چشم پوشیده و در هر حال به نصیحت آنها پرداخته‌اید ولی در همینجا منظورشان از ارتجاع را مشخص نکرده‌اید و لازم بود مصداق عینی آنرا تعیین میکردند شما را به مطالعه "سلسله مقالات" ارتجاع چیست و مرتجع کیست" از نشریه مجاهد و سیر مقالات "سخنی با پاسداران" شماره‌های (۱۷، ۱۸، ۱۹) و مقاله "علت استعفاهای کنونی" (شماره ۸۷) و بسیاری از مقالات و تحلیل‌های دیگر توصیه میکنیم، و سپس نگاهی واقعی و صادقانه به تمامی مصادیق عینی آن در جامعه بیندازید.

سیاست واقع بینانه؟!

شما که مجاهدین را به نداشتن سیاست واقع بینانه متهم کردید ممکن است توضیح دهید که از آن چه درکی دارید؟ آیا چشم پوشی مکرر و مداوم عملکردهای انحصارطلبانه و بغایت ارتجاعی احزاب و محافل معلوم‌الحال و مخالفت به حق ایدئولوژیک سیاسی با آنها را مخالفت با توده‌های مردم دانستن و... سیاست واقع بینانه است؟ شما که عمده کردن ارتجاع را از جانب مجاهدین، ناصادقانه، تلاش جهت کسب قدرت و رهبری و... قلمداد نموده‌اید و در اینجا نیز همسران با حزب معلوم‌الحال جمهوری شده‌اید ممکن است برای توده‌ها توضیح دهید که عامل تفرقه‌ها، اختلافات و تشدید کنندگان تضادها چه کسانی جز محافل ارتجاعی هستند؟ شما عامل تمامی انحصارطلبیها، بی قانونیها تحدید آزادیها، تقلبات گوناگون در انتخابات، به خاک و خون کشیدن دانشگاه‌ها (همزمان با توطئه نظامی آمریکا علیه ایران)، جلوگیری از برخی محاکمات و اعدام‌های انقلابی نظیر اعدام میراشرافی و شیخ‌الاسلام‌زاده و... چه کسانی میدانید؟ شما چه محافلی را عامل توطئه‌های گوناگون علیه مجاهدین خلق و توطئه دستگیری مجاهد دلیر سعادتی و زندانی کردن غیرقانونی و طولانی وی میدانید؟ بنظر شما چه کسانی صریحاً اعلام کرده‌اند که افشای اسامی عوامل ساواک به صلاح نیست؟ عامل تصفیه‌های عقیدتی در بسیاری ارگانهای مملکتی بویژه نهادهای آموزشی را که گوشه‌ای از آنرا خود در چند شماره امت ذکر کرده‌اید چه کسانی میدانید؟ چه کسانی تحریک‌کنندگان و عاملان بسیج اوباش

و حامیان علیه آزادی و حقوق سیاسی -

اجتماعی گروهها و احزاب هستند و خوب است در همینجا سیر پیگیریم گدام جریانی به بهای خونها و شهادتها و تحمل رنجها و چماق خوردن - های هزاران جوان و پیر و کودک ، ماهیت پدیده ضدانقلابی و ضداسلامی چماقداری وعوامل آنرا در برابر تودهها افشا کرده و وجدان عمومی جامعه را علیه آن بیدار و بسیج کرده است ؟ آیا احساس مکتبی شما در برابر ملوث شدن نام و مفهوم والا و مقدس " حزب الله " هیچگاه برانگیخته نشد تا قدری از مطالب برخی از شماره‌های امت را به آن اختصاص دهد آیا هیچگونه مسئولیتی در قبال اینهمه رذالت و بیشرمی و سفلگی نسبت به سرنوشت انقلاب و خلق و مکتب احساس نمیکنید ؟ آیا میتوانید توضیح دهید که شما چه نقشی در محکوم کردن و افشا و از بین بردن این پدیده شوم وآریا - مهری داشته‌اید ؟چه کسانی تمامی منابع تریبونها و امکانات عمومی خلق نظیر روزنامه - های منتشره با پول مستضعفان و رادیو و تلویزیون را تبدیل به وسیله‌ای برای تصفیه حسابهای شخصی و گروهی و سیاسی و تبلیغات بیشرمانه علیه نیروهای انقلابی ویژه مجاهدین خلق نموده‌اند و در ابتراه حتی از انتساب اتهامات جنسی نیز خودداری نمیکنند؟ وبالاخره شما که این چنین پایبند مکتب هستید و همواره در تمامی مقالات وسخنرانیهای خود یک خط در - میان واژه (مکتب یا مکتبی) را بکار میبرید ممکن است صادقانه توضیح دهید که چه کسانی تحت نام مکتب رهائی بخش وانقلابی اسلام و به نام عملکرد مکتبی، هر بیت وهدف خود خواهانه تفرقه اندازانه ، تنگ نظرانه وانحصار طلبانه را انجام میدهند وبه نام مکتب آنچنان چهره‌ای از آن به نمایش گذارده‌اند که تمامی جاذبه - های آن را از بین برده ، ورمیدگی وانزجار در میان توده به ویژه نسل جوان وتشنه ما ایجاد کرده‌اند که تا کنون سابقه نداشته است وتمامی زحمات وفداکاریهای چندین ساله پاک مردان وپیشتازانی که با عمل خود قرآن ونهج البلاغه را به میان اجتماع آورده ونسل جوان را باآن آشنا کرده وپرچم حسینی اسلام وتشیع سرخ علوی را مجددا بر فراز تمامی مکاتب بشری در پیشاپیش مبارزات ضداستثماری ضد امپریالیستی ، ضد استبدادی عصر حاضر عصر کبیر آگاهی توده‌ها ، عصر پیروزی خلقها علیه امپریالیسم،عصر پیروزی خلق قهرمان ویتنام، الجزایر ، نیکاراگوئه وعصر مبارزه شکوهمند وقهرمانانه فلسطین ، امریکا ، صحرا و.....برافراشته به هدر میدهید ؟اگر شما نگران سرنوشت مکتب وانقلاب هستید مطمئن باشید با نصیحت واندرز نه تنها آنرا از دست مدعیان دروغین وانحصاری آن نجات نتوا - نید داد بلکه در این راه تحمل رنج فراوان سختیها ، خونها ، شهادتها ، فشارها ، اردست دادن امکانات ، ساختمان ، تشریه ، نفوذ و محبوبیت مقطعی و ....لازم است در این راه مواجهه با انبوه ابتلائات ومشکلات ، ضرورات چرا که ارتجاع امروزه همچون تمامی حبهه - های باطل وارتجاعی در طول تاریخ که به انبیاء توحیدی میگفتند :"اگر از راه خود برگردید وار عقایدتان دست بکشید به شما هیچ فشار وآزاری بر شما وارد نخواهد شد بلکه از امتیازات وحمایتهای ما نیز برخوردار خواهید شد" از ما اینچنین تسلیم و - سازشی را میخواهد که در برابر آن بایستی قاطعانه ایستاد وگذشته از کلی گوئی وشعار دادنها با آگاهی دادن به توده‌های ناآگاه نگه داشته شده ، هر سختی ومرارتی را مشتاقانه تحمل کرد ، چرا که این خواست ، اگر در منطق سودا گران امری عادی جلوه کند ولی برای یک موحد انقلابی خیلی مضحک است . کدام بلا وسختی است که اراده یک مجاهد واقعی را محکمتر وعزم او را در ادامه راه جزمتر نکند وکدام میدان آزمایشی است که وی راآبدیده‌تر نسازد؟

نهایت سیاست واقع بینانه [رهبری ج.م.م.ا:]

بلی سیاست واقع بینانه آن نیست که دنبال - روانه با چشم دوختن به سیاستهای حاکم ، به بهانه حفظ وحدت ومکتب (به شکل صوری آن) در انتظار آن بسر بریم که هر از گاهی جریان حاکم که شما با چشم پوشی کاسبکارانه و... حسابگرانه برحاکمیت غالب آن ،خود را ارتش سلاح وچماق تکفیر آن در امان نگه داشته‌اید از روی خیر خواهی وبرای جلوگیری از اوج گیری انتقادات واعتراضات وبا سهای روزافزون

توده‌ها به ویژه روشنفکران وتحصل کردگان اقدام به مبارزه ضد امپریالیستی نمایند.

آیا نهایت چنین ساده‌ای است، این نیست که بی اعتمادانه پا روی تمامی خواب و کابوسهای خونبار مجاهدین ورنجها ومرارتها وشهادتهای چندین ماهه اخیر بگذارید واتهام آمریکائی بودن آنان را تئوریزه کرده وبوسیله علمی! کنید؟ وآیا جز این است که مکتب آنچنانی شما را به آنجا خواهد رساند که اوج شکوفائی مجاهدین خلق را این بست سیاسی بنامید گفتار اخیر امت در شماره ۶۳ در مورد سازمان مجاهدین، در واقع همسوئی کامل با مجموعه جریان هیستریک وسازمان یافته ضد مجاهد و هم آوازی با بلندگوهای تبلیغاتی به عنوان محصول سیاست واقع بینانه است. که ریشه آنرا باید در اوجگیری روز افزون گرایش توده‌ها پس از گرایش اقشار آگاه وروشنفکر جامعه دانست که شواهد آن را در اقبالهای توده‌ای از مجاهدین (نشریه مجاهد، انتشارات و کتابهای گوناگون، مراسم و.....) میتوان دید.

آیا این چنین همسوئی نباید مورد پرسش قرار گیرد که:

اولا: اگر این دیدگاه نسبت به مجاهدین برای ج.م.م، (بنا به ادعای خود) به تازگی ایجاد نشده، چگونه آنرا قبلا انتشار نداده وبا آغاز موج جدید در جامعه که محافل واحزاب معلوم الحال در صدد گسترش و تشدید آن هستند، ضرورت درج آن بر رهبری ج.م.م احساس میشود. آیا میتوان باور داشت که رهبری ج.م.م تا آگاهانه در چنین جریانی قرار گرفته و نمیداند که معنای موضع گیری وی علیه مجاهدین در این شرایط، چیزی جز آتش بیاری معرکه ارتجاع نیست؟ اگر هرنوع انتقاد، اعتراض وحتی مخالفت آنان با مجاهدین حق باشد (که نیست)، ولی حقارجح و بزرگتر، دفاع از سازمان، آرمان، ایده‌ئولوژی وخون شهدائی است که با سابقه‌ای آنچنان درخشان وخونبار، در معرض همه گونه تهاجمات سیاسی نظامی وایده‌ئولوژیک وایسگرایان وفرصت طلبان قرار گرفته است آری، لااقل در چنین مواردی سکوت میتواند گامی هر چند کوچک تا متزلزل در راه جلوگیری از همسوئی با تهاجمات باشد.

رهبری ج.م.م به خوبی میداند که روابط سیر رها آخری متنزع از عینیات اجتماعی وبه خصوص وضعیت کلی جنبش نبوده وما در خلأ و فضای خنثی مبارزه نمیکنیم که بصرف وجود انتقاد واشکالاتی در حرکت وموضع گیری سیرو ها در هر موقعیتی، مخصوصا در اوج توطئه ها وفشارها علیه سیروهای انقلابی، به بررسی وانتقادی آنها بپردازیم چرا که در هر موضع گیری در قبال سیروها معیار اصولی بودن این است که در مجموع به تقویت جبهه سرد وسیروهای انقلابی بیانجامد وجنبش را ارتقاء دهد.

ثانیا": صرف نظر از هر دیدگاه انتقادی وحتی مخالفی که ممکن است نسبت به نقطه نظرها و عملکردهای سازمان، از جانب ج.م.م و یا هر گروه دیگری وارد باشد، چرا باید حقایق و واقعیات را وارونه جلوه داده واتهامات و مارکهای گوناگونی را به مجاهدین نسبت داده وبر تمامی افتراثات وبامردمیها صحه گذاشت وحالیتر اینکه، گوئی از ایشان نظر خواسته بودند. آنها را برای حضرات تئوریزه کرد تا بتوانند در محافل روشنفکری ومجالس خاص به آن استناد جویند. آیا ایشان این آیه قران را نخوانده‌اند که:

"ولا یجرمنکم شنئان قوم علی ان لا تعدلوا اعد لوا هو اقرب للتقوی" (مبادا عداوت گروهی شما را برآن دارد که از جاده عدل وانصاف خارج شوید، عدالت پیشه کنید که به تقوای الهی ورهائی بخش نزدیکتر است...)

آیا این است معنای مکتبی عمل کردن و "بکار گرفتن قران وسنت ومصالح انقلاب به عنوان تنها محور ومعیار"؟ تاکی میخواهید تکرارکننده این شعارها بدون عمل مشخص بآن باشید؟

معیار ومحور مبارزه با امپریالیسم:

محور ومعیار مبارزه با امپریالیسم چیست؟ که شما سازمان را در تقابل آن وانقلابی در خط امریکا توصیف کرده‌اید؟ آیا اگر تاکید مکرر از خطوط ضد امپریالیستی وحمایت از هر گونه اقدام مثبت وضد امپریالیستی نظیر افشای عناصر ساواک، سیا، ....یا محاکمه واعدام عوامل آنان، حمایت شبانه روزی مجا

– هدین وهوادارانشان از اقدام انقلابی و ضد امپریالیستی تحت لوای جاسوسی (علی‌رغم تمامی سخنپراکنیها نظیر سرما، خستگی، بیخوابی و ... بی‌وقفه مزاحمتها و کارشکنیهای عوامل او و تجاوز و ...) در جهت توده‌ای کردن آن جریان و تلاش در مسیر ارتقاء همه جانبه مبارزه – واقعی ضد امپریالیستی و نمونه بارز آن تشکیل میلیشیا به عنوان هسته ها و نطفه‌های ارتش مردمی (که تنها راه مبارزه قاطع و نهائی با امپریالیسم است) و ... و دیگر اقدامات سازمان و تلاشهای مکرر و مداوم از مقامات مسئول جهت حفظ وحدت ضد امپریالیستی و تلاش در این راه به قیمت تحمل بسیاری مرحله‌ها و موانع – کجا و ... نمیتوانند برای مبارزه با امپریالیسم محور و معیار باشد، پس معیار چیست؟ ممکن است شما آنرا بیان دارید و ضمناً توضیح دهید که کارنامه شما در جهت ارتقاء مبارزات ضد امپریالیستی در متن یک مبارزه تمام عیار و مکتبی ضد استثماری، ضد ا – تجاوزی چیست؟ و بالاخره توضیح دهید که اصولاً معیارها و مبناهای انقلاب و منافع توده‌ها و حر – کت در جهت آنرا چه میدانید که براساس آن مجاهدین را در جهت خلاف آن توصیف کرده‌اید؟ از آنجا که کارنامه گذشته خونبار و درخشان ضد امپریالیستی، ضد استبدادی و نیز سابقه عمل، کردهای چند ماهه ضد امپریالیستی ضد ارتجاعی مجاهدین کاملاً آشکار و عیان است، بهتر است که به جای کلی گوئی و ذکر چند مورد بدون هیچ گونه توضیح مشخص، هر یک از آنها را مورد بر – رسی و تجزیه و تحلیل قرار داده و سپس بنا بر مصداق: " واذا حکمتم بین الناس ان تحکموا بالعدل " قضاوت نمائید.

واست و چپ و ...

بازی کودکانه با مفاهیم! یا افشای ماهیت؟!

ولی به اعتقاد ما معیار مشخص و ارزیابی نیروها و دوری و نزدیکی آنها از خط اصیل انقلاب و جایگاه واقعیشان در روی محور ترقیخواهی، همانا اصل قرار دادن مبارزه ضد امپریالیستی به مفهوم واقعی و عمل به الزامات و اصول چنین مبارزه‌ای است، اصولی مسلم، قطعی و علمی و خدشه‌ناپذیر که نه بر اساس دهسال، بلکه دقیقاً از تحلیل مجموعه شرایط اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و تاریخی جامعه، با اتکاء به ایدئولوژی ناب توحیدی استخراج شده است و اعتقاد و عمل به آن اصولی و پا عدم آن، در قرار مدت تعیین کننده مکان حقیقی یک نیرو است. این چنین دیدگاهی است که اصولاً مفاهیم راست و چپ و ... تعیین داشته و میتوانند بکار گرفته شوند. اما همچون خلاف تظر ج.م.ا. که منعکس در شماره ... نشریه است در مقاله‌ای تحت عنوان "تاریخهای کودکانه با مفاهیم راست و چپ و ..." متفکر است و این مفاهیم را تاریخه دست گروهها انگاشته که گویا از روی خواست و میل شخصی و گروهی بدون هیچگونه تحلیل مشخص و قانونمند، جابجا میشوند. این مفاهیم، دقیقاً مبین واقعیات سرشت اجتماعی بوده و از درون تحلیلهای مشخص از دیدگاه و عملکرد هر نیرو استخراج میشود. سازمان مجاهدین خلق بنا بر این اصطلاحات و مفاهیم سیاسی آشنا نشده است که بدون شناخت کامل، از آنها استفاده کند و یا هیچگونه التزامی جهت بکار بردن آنها برای خود قائل نباشد، بلکه آنها را دقیقاً براساس معیارهای فلسفی، اقتصادی – اجتماعی (طبقاتی) و سیاسی قانونمند و تجربه شده، شناخته و بکار میبندد و نیز از پشتوانه و منشاء ایدئولوژیک و تاریخی قرآن و نهج البلاغه در فهم و بیان و توصیف مفاهیم راست، چپ، راست – روی و چپ روی و ... برخوردار است. علاوه بر اینکه صحت چنین تئوریهائی نیز در عمل نیز روشن شده است. آری، اتفاقاً همانطور که در آن مقاله آمده است، این مفاهیم و معانی یکشبه و بر اساس یک موضعگیری تاکتیکی و مقطعی و در کوتاه مدت جابجا نمیشوند که در اینصورت دیگر هیچگونه معیار و میزانی نمیتوانست دوام بیاورد تا بکار برده شود، بلکه اطلاق چنین مفاهیمی به نیروهای گوناگون، دقیقاً براساس دیدگاهها و عملکردهای مشخص اجتماعی درازمدت آنان و مسیر حرکت سیاسی، اقتصادی و طبقاتی آنان، انجام میگیرد. اهتمام رهبری ج.م.ا. در اینست که فی‌المثل، موضعگیری در

برابر قانون اساسی و یا انتخابات ریاست جمهوری را یک "حرکت مقطعی" یا "تاکتیک بخصوص" میدانند. ولی به اعتقاد ما، موضعگیری در برابر این مسائل بخصوص، در برابر قانون اساسی، از یکطرف، و دقیقاً" موضعگیریهای تاریخی، ایدئولوژیک و سیاسی بوده است و بایستی در پیشگاه خدا و تاریخ و نسلهای آینده، پاسخگوی آن باشند، که چگونه بر پایان اصالت و هویت انقلابی، خداستحماری و سلب توحیدی اسلام، به سازش تاریخی و ایدئولوژیک تن دادند و جبهه اسلام انقلابی و اصیل را ترک گفتند و از طرف دیگر، ما آنرا در جریان درازمدت موضعگیریها و عملکردهای ج.م.م.ی. ـ دانیم که از کناره‌گیری و دورشدن از نیرو ـ های انقلابی، آغاز شده و در مقاطع حساس و تاریخی، همچون موضعگیری در برابر قانون اساسی و نیز در برابر آزمایش خطیر تقویت و تحکیم جبهه متحد ضد امپریالیستی، در جریان انتخابات ریاست جمهوری و ... ماهیت واقعی خود را ارائه داده و سابقاً" در موضعگیری اخیر در برابر سازمان مجاهدین به نقطه اوج خود میرسد و در روز جمعه ۱۲ تیر، سیر تقاضای انحلال آن، صحه میگذارد و عملاً" تمامی مرزهای خود را با جریانات حاکم درهم آمیخته، درآن حل میشود. آری با چنین دید "جریان وار" و نه "مقطعی" است که درآنزمان، آنچنان تحلیلی از ماهیت ج.م.م. بعمل خود را امروزه به اثبات کامل میرساند، چرا که چنین روزی در افق آنچنان موضعگیریهائی، دور از انتظار و پیش‌بینی نبود، به این دلیل که جامعه و تکامل آن و روابط و مناسبات حاکم بر آن و تعیین جایگاه هر نیرو، در مجموعه آن، کاملاً" قانونمند است و با شناخت و درک واقع ـ بینانه از آن قانونمندیها، میتوان، حال آینده هر نیرو و یا سیستمی را ارزیابی و یا پیش‌بینی نمود.

رهبری و توده‌های سازمان

درک رهبری ج.م.م. از تشکیلات

یکی دیگر از نکات جالب و قابل توجه در دیدگاه رهبری ج.م.م. بینش و درک ایشان از مفهوم تشکیلات و رابطه "میان رهبری آزموده ـ های سازمان است، ایشان بگمان خود، توده ـ های هوادار سازمان را دارای سه آفت و بیان و غلو و ... دانسته و "از خطاهای استراتژیک ـ یک" رهبری کنونی سازمان" میداند و، تنها "اشکال کار" را در اینجا میبیند که آنان برای رهبری سازمان "اعتبار مطلق قائل شده و بخود حق اظهارنظر و ایراد انتقاد نمیدهند" و سالاخره آنان را به استفاده از یک فرصتی! که ایجاد شده است "فارغ از جنبش شدید اعتراضی و تبلیغات و ... و خارج از مرز ـ های عبورناپذیر و تحریمها و بخشنامه‌ها" دعوت میکند. در اینجا بایستی خاطرنشان کنیم که تناقضات، با یکدیگر چه براساس منطق خود، و چه با مشاهده عملکردهای چندماهه ج.م.م. پس از قیام ۲۲ بهمن، فاقد کمترین و ابتدائی‌ترین درک و شناخت و تجزیه از اصول و موازین حاکم بر تشکیلات و قدرت بنا نهادن آن بوده و اصولاً" براساس ماهیت خود، نمیتواند به ایجاد و اداره تشکیلاتی با ضوابط و معیارهای اصولی و برمبنای وحدت کامل درونی ایدئولوژیک، سیاسی و تشکیلاتی بپردازد، چرا که اینان با درک ذهنی و صوری از وحدت تشکیلاتی، تحقق آنرا در میان تمامی رهبران، اعضاء و هواداران سازمان مجاهدین که تنها محصول پایه‌گذاری تشکیلات براساس یک ایدئولوژی توحیدی واقعگرایانه (که آزمایش اصالت و مقاومت و مترقی و پیشتاز بودن خودرا در صحنه عمل چندین ساله به اثبات رسانده است) و نیز براساس تجزیه و تحلیلهای سیاسی واقعبینانه و همچنین بر مبنای اصول تجربه‌شده و علمی تشکیلاتی میباشد، به یک مطلق نگری هواداران نسبت به رهبری و قبول بی چون و چرای آن تعبیر میکند، ولی به اعتقاد ما طرح چنین ایرادو انتقادی، تنها بمنظور توجیه وجود روحیات لیبرالیستی و روشنفکرانه حاکم بر خود و یارانشان و نیز سرپوش گذاشتن بر تضادها و اختلافات و عدم انسجام درونی است، که نتیجه عینی آنرا در بی عملی و عدم حضور فعال در صحنه سیاسی و ایفای نقش مثبت و مؤثر در ارتقاء جنبش ضد امپریالیستی، میتوان دید، که البته اینرا هم رهبری ج.م.م. زیرکانه توجیه کرده

و نوشته است که "سازمان، اعضاء ساده را چنان درگیر عمل و حوادث روزمره مینمود که وقتی برای فکر کردن و ارزیابی نداشته باشند و... آری، چنین درک و شناخت صوری و ظاهری از یک تشکیلات و سازمان انقلابی (با سابقه ۱۵ سال فعالیت مستمر و فشرده درونی و تشکیلاتی و گذار سالم و موفق از مراحل و شرایط خطیری که اساس تشکیلات را مورد تهدید قرار داده بود) به آنجا منجر میشود که روابط حاکم بر آنرا همچون یک اداره یا موسسه، روابط بوروکراتیک دانسته و بر مبنای تحریم و بخشنامه تلقی نماید و از هواداران سازمان بخواهد که حال که با تعطیل موقت دفاتر و مراکز سازمان، مسئولین مدور بخشنامه‌ها و تحریمها به کار خود ادامه نمیدهند، آنان از فرصت استفاده خموده، قدری به ارزیابی مجدد بپردازند.

گفتنی از مطالب فوق، نکته‌ای که باید به اطلاع رهبری ج.م.م. برسانیم اینست که مخاصمانه، موضوعات طرح شده از جانب ایشان در مورد رهبری و اصولاً تشکیلات سازمان جاد آور "تظاهر سازمانیافته" عناصر ارتجاعی و نیز رویزیونیستهای چپ نما علیه مرکزیت مجاهدین (بعد از خرداد ۵۴) است که بر آن بودند با انهدام آن مرزه را برای پیشرفتهای بعدی خود باز نمایند. آنها در درجه اول با هاموزدن به آنارشی و لیبرالیسم، درواقع، هدف تلاشی و ازهم گسستن روابط تشکیلاتی مجاهدین را مدنظر داشتند. همان سازمان و فرم تشکیلاتی که درواقع، تحقق عینی مجاهدین و محتوای مقیدتی آنهاست. و از آن زمان تاکنون دهر گلیه مدعیان ازاضمحلال مرکزیت در درون مجاهدین، آه وناله سرداده و از فقدان باصطلاح دموکراسی و رشد وانحلال فردی، شکوه میکنند. آنها مسئولاً با یک قیافه حق بجانب اخم مذمت "جدیالة روی" وفا بسته "آزادی عمل" داد سخن داده‌اند. مخاصمانه ج.م.م. نیز (البته با درجاتی خفیف تر از آنچه که گفته شد) همان موضوعات را مطرح کرده و باید بداند که چنین دیدگاهی، در افق خود، چه سرنوشتی دارد؟

از آنجا که تشریح مفهوم دموکراسی انقلابی و تفاوت آن با آنارشی و لیبرالیسم را بویژه در کادر اعتقادات توحیدی ما که در آن مسئله هدایت و رهبری، اهمیت اساسی داشته و کوبای نقش بسیار مهم یک مرکز ... در حد این مقاله نمیداند. ولی تنها به این نکته بسیار مهم، اشاره میکنیم که آنچه شما از آن بعنوان "اعتبار مطلق قائل شدن برای رهبری و..." تعبیر کرده‌اید، از نظر ما چنین نبوده و در واقع، تقویت مرکزیت است، که البته یک امر فرمالیستی نیست بلکه دقیقا به منظور تحکیم مواضع تشکیلاتی صورت میگیرد که ضامن آرمانهای ایدئولوژیکی است. همان مرکزیت و هدایتی که رشد و کمال اصلی و واقعی فرد فرد تشکیلات و اجتماع انسانی را هدف قرار داده و از تباهی استعدادات انقلابی ممانعت کند.

برای شناختن بیشتر اصول و مبانی تشکیلاتی انقلابی، مطالعه مقالات و تحلیلهای متعدد تشکیلاتی در نشریه مجاهد و نیز مباحث آموزشی سازمان را در این مورد، به رهبری ج.م.م. توصیه کرده، مقدمتاً" برای آشنائی اولیه، ایشان را به سری آموزشهائی در باره سازمان (شماره‌های ۵ و ۷) ارجاع میدهیم.

انتقاد مجدد به جریانات مخالف سازمان!

در انتها بجاست که شما را به نگاه مجدد به سرمقاله امت شماره ۲۹ دعوت کنیم آنجا که خطاب به مقامات مسئول مملکتی گفته ـ ایم: "... کاری نکنید که تسلیمای آینده شما را به محاکمه بکشند."

آری شما چندین بار آنان را نصیحت نموده‌اید، ولی گویا اثر نبخشیده است، تا جائیکه در شماره ۶۲، پس از تحلیل غیر واقعبینانه و غیرمنصفانه از مجاهدین، مجدداً به آنها اعتبار داده‌اید که مبادا از آن به عنوان "پوششی بر ضعفهای خود و جریانات مخالف سازمان" استفاده کرده و ذلیل "درستی کامل خط مشی" خود بدانند، و" بخواهند به این وسیله خود را از خطا و انحراف تطهیر کنند و با توده‌های صادق و با ایمان را زیر فشار قرار دهند". اما بنظر ما باورکردنی نیست که رهبری جنبش مسلمانان مبارز، ماهیت عناصر و احزاب وابسته را نداند و به مثابه کبد رهاون کوبیدن، بخواهد آنانرا با زبان نصیحت و هشدار، مورد خطاب قرار دهد، بلکه چنین

موضعگیری ، از آنروست که ج.م.م. یکمان خود خواسته است از برابر سوالات و ابهامات تغییرو - های مختلف ، بویژه هواداران خود که رهبری را در خط جریانات معلوم‌الحال ضد مجاهد و بدون هیچگونه مرزبندی صریح و مشخص با آنها دیده‌اند ، گریزگاهی یافته و خود را بیطرف نشان دهد . ولی توده‌ها و هواداران صادق دیگر با چنین موضعگیری ، قضاوت خود را نموده‌اند و مشاهده کرده‌اند که چگونه جریانیکه خودرا مکتبی میداند ، در یکی از حساسترین شرایط سیاسی ، اجتماعی ، ایدئولوژیک حاکم بر تاریخ اسلام نه تنها در مقام حمایت از مجاهدین‌که علیرغم تمامی رنجها و موانعهای طاقت‌فرسا و مداوم و بی امان ، سنگرهای نگهبانی از ایدئولوژی راستین و انقلابی اسلام را هرگز ترک نکرده‌اند ، برنیامده بلکه عملا" در صف نیروها ئی قرار گرفته‌که تمامی کوشش و تلاش آنان بر اساس ضدیت و نابودی این جریان حق و تکاملی تاریخ بنیانیافته شده است .

اظهار نگرانی از اعمال فشار برتوده‌های صادق و باایمان سازمان !

در پایان دیگر رهبری ج.م.م. ضمن اعلام یک برخورد سیاسی با اعضا و توده‌های هوادار سازمان مجاهدین و جدا نمودن آنها از رهبری (که البته محصول یک مقابله با خود و رابطه با هواداران خویش است) از اعمال فشار بر" توده‌های صادق و باایمان" سازمان اظهار نگرانی کرده است که لازم است به ایشان یادآوری کنیم که هیچیک از تمامی هواداران و توده‌های سازمان نیازی به چنین ابراز نگرانی ندارند ، چرا که آنان همچون اعضا و رهبران سازمان ، اصولا" با فشار و سختی و مشقت خو گرفته‌اند و آنرا لازمه مبارزه و ضمن آزمایشهای انقلابی و مبارزاتی خود میدانند و فراز آن همچنانکه نشان داده‌اند تحت به تحمل شداید ، شکنجه‌ها ، حبس‌ها ، فشارها ، تهمتها و افتراقات گوناگون هستند و از آنها با آغوش باز استقبال میکنند و در برابر هر یک از آنها ، با پیشوای انقلابی خود ، امام حسین (ع) همعهد میشوند که : " الحمدلله علی ... "

آری ، نگرانی رهبری ج.م.م. کاملا" غیر ضروری است و بهتر است چنین نگرانی را در مورد خود داشته باشند و همچنان در امان سیاستهای مطلوب و مقبول "مسئولان امر و جریانات مخالف سازمان" از اعمال فشار آنان خود را دور نگه دارند .

در پایان مجددا" تاکید میکنیم که رهبری ج.م.م. مدتهای طولانی است که در معرض آزمایشات سختی قرار گرفته است که متاسفانه تا کنون مراحل بسیاری از آنرا با موفقیت پشت سر نگذاشته و ادامه آن نیز بدون تجدید نظر و انتقاد اصولی از خط مشی گذشته چشم‌انداز روشنی نخواهد داشت و گذشته ارتقاوت راستین توده‌ها در همین زمان ، آن هنگامیکه تاریخ نیز به داوری بنشیند ، از آن به نیکی یاد نخواهد کرد و به آیندگان خواهد رساند که در میدان ابتلا و آزمایش دشوار مجاهدین و دیگران ، آنان از حمایت و یاری مجاهدین خودداری کردند ، همان میدان آزمایش و ابتلائی که خداوند آنرا بمصداق آیه " ولنبلونکم حتی نعلم المجاهدین منکم والصابرین ونبلوا اخبارکم " بمنظور سنجش و جداسازی و شناسائی مجاهدین و صبرکنندگان از دیگران قرار داده است .

والسلام

انجمن های دانشجویان مسلمان در دانشگاهها ومدارس عالی

تنظیم و نشر از :
انجمن دانشجویان مسلمان
آلمان غربی